

بررسی نگرش دانشجویان منطقه یازده دانشگاه آزاد به اتحادملی و انسجام اسلامی^۱

مصطفی باغبانیان^۲

برزو مروت^۳

چکیده:

سؤال اصلی پژوهش حاضر اینست که دانشجویان منطقه ۱۱ دانشگاه آزاد اسلامی چه نگرشی نسبت به اتحاد ملی و انسجام اسلامی دارند، چه عواملی بر این نگرش بیشترین تأثیر را دارند و مکانیسم و دینامیسم این عوامل به چه شکلی است؟ جمعیت نمونه تحقیق براساس فرمول کوکران ۳۲۵ نفر انتخاب گردیده و به روش نمونه‌گیری مطابق نسبی داده‌ها جمع‌آوری گردیده است. از مجموع فرضیات تحقیق، ۵ فرضیه تأیید گردیده و همبستگی بین متغیرهای «میزان اعتماد به دولت»، «میزان عضویت در تشکلهای مدنی»، «میزان مشارکت سیاسی»، «میزان گرایش‌های اعتقادی و عبادی» و «احساس تعلق اجتماعی عام» با متغیر وابسته «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» در سطح معناداری بالایی، اثبات گردیده‌است. در معادله خطی که توسط رگرسیون حاصل گردید، مشاهده شد که دو متغیر «میزان اعتماد به دولت» و «احساس تعلق اجتماعی عام» حدود ۰/۲۲۶ از تغییرات واریانس متغیر وابسته را تبیین و پیش‌بینی می‌کنند. نتایج حاصله بیانگر اینست که دانشجویان در عین حالی که به ارزش‌های ملی وفادار هستند، خود را نیز پایبند به هنجارهای فرهنگ اسلامی دانسته پس اتحاد ملی می‌تواند در راستای انسجام اسلامی حرکت کند. این گرایش بیانگر فهم و بصیرت دانشجویان به اصل «وحدت کلمه» می‌باشد.

کلید واژه‌ها: انسجام اسلامی، فرهنگ اسلامی، احساس تعلق اجتماعی، اتحاد ملی، هویت.

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۴/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۹/۱۲

۲- دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، گروه جامعه‌شناسی، سنندج، ایران

۳- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج

morovat1354@yahoo.com

۱- مقدمه

یکی از سرمایه‌های بنیادین هر جامعه‌ای انسجام و همبستگی اجتماعی بوده که مقدمه‌ای لازم برای بقا و تداوم حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. به واقع انسجام پیشیناز رشد و توسعه و برقراری نظم اجتماعی است. انسجام، بیانگر آن است که اهالی یک جامعه به نحوی کلی و در مراتب بنیادین، دارای وفاق در اهداف و ارزش‌ها و نگرش‌ها هستند. علاوه بر آن؛ انسجام نتیجه شرایط و اوضاعی است که نشان می‌دهد توافق وسیع و قابل قبول نسبت به زندگی، چشم اندازها و نحوه مواجهه با مسائل سیاسی در جریان است.

همانطوری که می‌دانیم تنوعات قومی و مذهبی دیرینه در جامعه ایران از یک سو و پراکندگی و گستردگی سرزمین‌های اسلامی از سوی دیگر، مسأله تعاملات گروه‌های قومی، نژادی و مذهبی که از گذشته به صورت سنتی وجود داشته، امروزه به دلیل تنوعات جدید از حساسیت بیشتری برخوردار شده و می‌تواند به مثابه شمشیر دو لبی هم موجبات انسجام و همبستگی اجتماعی و به فراخور آن توسعه و تکامل را فراهم نماید و هم باعث تفرقه و اختلاف و در نهایت واپسگرایی و تحجر را دامن زند.

در این پژوهش اتحاد و انسجام به مثابه متغیر وابسته‌ای مطرح می‌شود که با روند افزایش و یا کاهش علل و عوامل (اعتماد، تعلق، تعهد، مشارکت و...) رو به تزاید و یا نقصان می‌گذارد. به سخن دیگر انسجام اجتماعی، تماماً محصول و نتیجه شیوه خاصی از تعاملات اجتماعی و چگونگی مناسبات میان کنشگران در درون زیست جهانی می‌باشد که در یک حوزه جاری و ساری است. یکی از این کنشگران تأثیرگذار دانشجویان می‌باشند، افرادی که به دلیل جوان بودن و آگاهی بالا، نقش کلیدی در حرکت جامعه به سوی تکامل و پیشرفت دارند لذا لازم است توجه و گرایش این قشر به مسأله اتحاد ملی و انسجام اسلامی و عواملی را که منجر به تقویت آن در نزد آنان می‌شوند، شناسایی نموده چرا که دانشجویان به عنوان پیشروان و مدیران تصمیم‌گیرنده و هدایت‌گر آینده مملکت، در این حوزه جایگاه ویژه‌ای دارند. بنابراین میزان گرایش یا پایبندی دانشجویان به اتحاد ملی و انسجام اسلامی و عوامل مؤثر بر آن و همچنین مکانیسم و دینامیسم شکل‌گیری این گرایش می‌تواند ترسیم‌کننده چشم‌انداز این مهم در بین دانشجویان باشد.

۲- طرح مسأله

خداوند در قرآن مجید، با آیاتی چون «و اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا» (آل عمران، ۱۰۳) یا «و ان هذه امتکم امه واحده» (انبیاء، ۹۲) اتحاد همه مسلمانان را در سیمای یک امت، یک دین، یک راه و یک

قبله و هدف مورد تأیید قرار داده است. بسیاری از عبادت‌های واجب اسلام، عالی‌ترین مظاهر اتحاد اسلامی را نشان می‌دهد. حج با آن همه پویایی و محتوای سازنده، برای همه مردم است. نمازهای واجب عموماً به جماعت خوانده می‌شود. اتحاد و انسجام امت چنان محبوب و مطلوب اسلام است که عبادت را پرمحتوا می‌کند و به امت عزت و تعالی می‌بخشد. به همین اندازه، تفرقه‌گرایی مورد نکوهش قرآن است تا به آنجا که خداوند دامن‌زدن به اختلاف‌ها را مایه نزدیک‌شدن مسلمانان به مشرکان می‌داند: «ولا تکونوا من المشرکین من الذین فرقوا دینهم و كانوا شیعاً» (روم، ۳۱ و ۳۲). پیامبر گرامی اسلام نیز نسبت به تفرقه و جدایی‌افتادن میان مؤمنان هشدار داده و مسلمانان را یگانه‌گرایی می‌شمارد. وی در جایی می‌فرماید: «من فارق جماعه المسلمین فقد خلع ربه الاسلام من عنقه» (عطایی، ۱۳۶۹، ۱۹) یعنی هر کس از جماعت مسلمانان فاصله بگیرد، ریسمان اسلام از گردن او برداشته می‌شود. اسلام، دینی اجتماعی است که همگان را به اتحاد و یکپارچگی فرا خوانده است. قرآن مجید به صورت مستقیم و غیرمستقیم با واژگانی چون «امه واحده»، «فالف بین قلوبکم»، «لا تفرقوا»، «لا تنازعوا»، «لا تتبعوا السبیل»، «تفریقاً بین المومنین»، «شیعاً»، «اختلفوا» و «تفرقوا» هشدارها و امیدهایی را برای تحقق وحدت بیان کرده است. برای نمونه، در قرآن آمده است: «أطیعوا الله و رسوله و لا تنازعوا فتغشوا و تذهب ریحکم» از خدا و پیامبرش پیروی کنید و با یکدیگر نزاع نکنید که ناتوان می‌شوید و شوکت شما از دست می‌رود (انفال، ۴۶).

با توجه به آیات قرآنی ذکر شده و براساس وضعیت فرهنگی - اجتماعی ایران می‌توان ۲ عامل را برای توجه به اتحاد و انسجام مطرح نمود:

۲-۱- ضرورت دینی در جهان اسلام

بسیاری از علمای بزرگ تشیع و تسنن در راستای ایجاد وحدت و همدلی، تلاش‌های پیگیری کرده‌اند که از این میان به بزرگانی همچون آیت‌الله بروجردی، علامه امینی، شیخ محمد قمی، محمد حسین کاشف‌الغطا، استاد محمدجواد مغنیه، آیت‌الله نایینی، سید هبه‌الدین شهرستانی و امام خمینی از علمای تشیع و علامه شیخ عبدالمجید سلیم، علامه شیخ محمد شلتوت، محمد ابوزهره، محمد فرید وجدی، حسنین محمد مخلوق، عبد المتعال صعیدی، محمد محمد المدنی، شیخ مراغی و دکتر احمد امین از علمای اهل سنت می‌توان اشاره کرد. علامه شرف‌الدین همه چیز را در پرتو لوای وحدت می‌بیند و می‌نویسد: اسباب عمران و تکامل به وجود نمی‌آید و روح تمدن و سعادت پدیدار نمی‌شود و گردن ما از یوغ بردگی آزاد نمی‌شود، مگر اینکه اتفاق کلمه داشته، دل‌ها به هم نزدیک و عزم‌ها منسجم باشد تا بتوانیم راه اعتلای امت و عزت ملت اسلام را فراهم آوریم و سرزمین سبز و خرم شود، آسمان رحمت ببارد و چشمه‌سار رحمت و محبت از قلب‌ها روان گردد (خدوری، ۱۳۷۴، ۶۱).

۲-۲- ضرورت ملی در جامعه ایران

کشور ایران به لحاظ ساختاری و ذاتی و بنا به شرایط جغرافیایی و تاریخی مشتمل بر تنوعات و تفاوت‌های اجتماعی، قومی و مذهبی بوده و مانند برخی از کشورهای دیگر (مشابه ۱۹ کشور دیگر جهان) جامعه‌ای متکثر و متنوع است به نحوی که در نتیجه حضور و وجود ملموس اقوام، اقلیت‌ها، اقشار و خرده-فرهنگ‌های متعدد انواع تمایزات، تفکیک‌ها در آن وجود دارد. با این تفاوت که برخلاف جوامع نو تأسیس که فاقد پیشینه تمدن و تاریخ طولانی هستند، این تکثر در جامعه ایرانی طولانی مدت و تاریخی بوده و نباید این واقعیت را نوظهور دانست. لذا در پیگیری ایده وحدت ملی توجه به این نکته‌ها حائز اهمیت بوده و ضروری است. سر خط جامعه ایران در دوره‌های معاصر، به‌ویژه بعد از دوره مشروطه در تماس مستمر و تعامل جدی با جهان صنعتی قرار گرفته و از یک سو با محصولات معرفتی، فکری و اندیشه‌های غرب و از سوی دیگر با محصولات تکنولوژیک و صنعتی کشورهای پیشرفته آشنا شده است. توسعه، تجدد و مدرنیزاسیون، انواع جدیدی از تفکیک و تمایز اجتماعی را در جامعه ایران به وجود آورده است.

برای پژوهش و بررسی درباره اتحاد و انسجام، دست‌کم سه سطح بررسی را می‌توان از یکدیگر تفکیک کرد. سطوحی که هر یک منطق و مفاهیم خاص خود را دارند. سطح اول (سطح خرد) مطالعه و انسجام، معطوف به افراد و شهروندان است. در این سطح بیشترین دغدغه، انسجام و سازگاری بین افراد یک جامعه و در نهایت آن، انسجام در خانواده مطرح می‌شود. سطح دوم (یا سطح میانی) مطالعه و بررسی انسجام متعلق به انسجام گروه‌ها، خرده فرهنگ‌ها، اقوام و دسته جات اجتماعی است و سطح سوم (یا سطح عالی) به سطح کلی ساختارها و نهادها مربوط می‌شود. سطح عالی نیز به نهادها و ساختارهای اصلی جامعه می‌پردازد و انسجام و هماهنگی بین ساختارهای تشکیل‌دهنده جامعه را با یکدیگر با دقت و حساسیت تمام مورد توجه قرار می‌دهد.

در این پژوهش به بررسی سطح خرد و ذهنیت و نگرش کنشگران در خصوص اتحاد ملی و انسجام اسلامی پرداخته می‌شود. بنابراین سؤال اصلی پژوهش حاضر اینست که دانشجویان منطقه ۱۱ دانشگاه آزاد اسلامی چه نگرشی نسبت به اتحاد ملی و انسجام اسلامی دارند، چه عواملی بر نگرش آنها بیشترین تأثیر را داشته و با چه مکانیسم و تئوری‌هایی این تأثیرات تبیین می‌شود؟

۳- مبانی نظری و تجربی

در سنت ادیان توحیدی؛ خدای واحد، امت مؤمن خود را به وحدت و یکپارچگی و دوری از تفرقه فرا می‌خواند. در واقع دین، انسان را در سطح کلان، عضو خانواده واحدی می‌داند که از پدر و مادر یگانه-

ای آفریده شده است. در آیه کریمه قرآن آمده است: «یا ایها الناس انا خلقنا کم من ذکر و انثی و جعلنا کم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم» (حجرات، ۱۳).

قرآن ایجاد الفت و وحدت دل ها را که یکی از الطاف الهی دانسته، ره آورد رسالت پیامبران می- شمارد: «و اذکرو نعمت الله علیکم اذکنتم اعداءً فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناً و کنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها کذلک یبیین الله لکم آیاته لعکم تهتدون» «و همگی به رشته دین چنگ زبید و به راههای متفرق نروید و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید و خدا در دل های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف خداوند، همه برادر دینی شدید در صورتی که در پرتگاه آتش بودید و خدا شما را نجات داد. خداوند این گونه آیاتش را برای راهنمایی شما بیان می کند. باشد که به مقام سعادت، هدایت شوید» (آل عمران، ۱۰۳).

در آیه ۱۱۸ از سوره هود خداوند ضمن اشاره به فساد و اختلاف در امم گذشته می فرماید: «و لو شاء ربک لجعل الناس امه واحده و لایزالون مختلفین» این اختلاف در اقوام و ملل دنیا جعلی و قرار دادی بوده و در طبیعت و واقعیت اقوام و ملل باقی خواهد ماند، همانطور که در طبیعت و خلقت انسانها اینطور هست، مثل اختلاف در صورتها و ظواهر یا اختلاف در هوش، استعداد، عقل و ادراک که به اختلاف نظرها می انجامد و پایه مشورت و رشد و تکامل است. اختلافها نیز مایه و ملاک فضیلت و کمال نیستند بلکه خداوند بر اساس سنتهای ثابت و لایتغیر خود به آن دسته از انسانها که راه رشد و هدایت را از مجرای همین اسباب، وسایل و به کمک عقل خود و ارشاد انبیاء، انتخاب و اختیار نموده و از محدوده این ظواهر و کثرات که توقف در آنها منجر به فساد و سقوط و هلاکت می شود، فراتر می روند، از روی لطف و رحمت خود نعمت توحید و وحدت و قرار گرفتن در صف امه واحده را می دهد و آنها را از فساد و تفرقه نجات می دهد (عطایی، ۱۳۶۹، ۳۴).

حضرت محمد(ص) نیز که آخرین پیام آور در این سنت الهی است، رسالت خویش را بر بستر اتحاد مؤمنان و ایمان آورندگان عملی ساخت. توصیه های مکرر رسول اکرم(ص) به رعایت برادری و وحدت و تأکید بر این امر که برتری افراد به یکدیگر تنها در تقوای آنان است، حاکی از اهمیت حفظ یکپارچگی و اتحاد بین مسلمین است. وی در این باره می فرماید: شخص مسلمان، برادر شخص مسلمان است. هرگز به او ستم نمی کند و هیچگاه او را تنها و بی پناه نمی گذارد (حسین بر، ۱۳۸۰، ۲۳).

امام محمدباقر(ع) از پدران خود و آنها از جد بزرگوارشان، حضرت محمد(ص) در ضمن حدیث مفصلی روایت می کند: چون روز قیامت فرا رسد از جانب خداوند ندا می رسد: همسایگان خداوند کجا هستید؟ با شنیدن این ندا جماعتی به پا می خیزند که گروهی از فرشتگان به استقبال آنها می روند و می- گویند: شما چه کاری کرده اید که به عنوان همسایگان خدا معرفی شده اید؟ آنها پاسخ می دهند: ما برای خدا

با دیگران پیمان محبت و دوستی برقرار کردیم. در راه خدا بذل و بخشش داشتیم و در راه خدا با افراد دیدار کردیم. آنگاه منادی اعلام می‌کند: ایشان بندگان صادق خدا هستند. به آنها راه دهید تا بدون حساب به جوار رحمت الهی راه یابند (بحار الانوار، ۷، ۲۳۲).

علامه سید محمدحسین طباطبایی (رضوان الله علیه) از اتحاد ملی و انسجام اسلامی در اجتماع انسانی با مقوله وحدت اجتماعی یاد نموده و از آن به عنوان نیرو و ابزار پایه‌ای جامعه اخلاقی مطلوب نام می‌برد و می‌فرماید: دستور به یادآوری و متذکر شدن خداوند به نعمت اتحاد و یگانگی، مطابق آداب قرآن شریف است، تا دعوت به وحدت ملی و انسجام اجتماعی بر اساس خیر و هدایت را صحیح بنا گذارده باشد، نه- آنکه دستور به تقلید عامیانه و کورکورانه داده باشد؛ زیرا از روش و تعلیم الهی بسی به دور است که مردم را از یک طرف به سعادت و علم دعوت کند و از جانب دیگر آنان را در منجلا ب تقلید و تاریکی جهل نگه دارد. دلیل اصلی دعوت به اتحاد و انسجام اسلامی همانا مشاهداتی است که افراد جامعه از تلخی دشمنی‌ها و شیرینی دوستی‌ها و برادری‌ها نموده‌اند و همچنین برای سعادت و نیکبختی خودشان و رسیدن ایشان به رستگاری است. اجتماعی که اساسش بر پایه اختلاف و عقاید متشکست نهاده شود به ناچار امیال نفسانی و زورگویی فردی در آن حکومت رخنه کرده و به پست‌ترین زندگی‌ها آن را سوق می‌دهد (طباطبایی، ۲، ۲۸۴).

امام خمینی (ره) اعضای جامعه را به قطرات باران تشبیه می‌کند که اگر از هم جدا باشند یک برگ را هم تر نمی‌کنند ولی اگر به هم متصل شوند به مقدار اتصالشان دارای قدرت می‌شوند. گاه قدرت یک نهر گاه قدرت رودخانه و گاه قدرت یک دریا پیدا می‌کنند و چنان این قدرت عظیم می‌شود که یک موجش می‌تواند کشتی‌ها را در هم بشکند. وی در فرازی دیگر می‌فرماید اگر ملت‌های مسلمان که تقریباً یک میلیارد جمعیت هستند، برادر با هم باشند و به برادری با هم رفتار کنند، هیچ آسیبی بر اینها واقع نمی‌شود و هیچ‌یک از ابرقدرت‌ها قدرت اینکه تجاوز به آنها بکنند، ندارند، برادرها باید متوجه این معنا باشند (صحیفه نور، ۱۳، ۲۵).

امام خمینی (ره) می‌فرماید اسلام آمده تا تمام ملل دنیا را، عرب، عجم، ترک و فارس را با هم متحد کند و یک امت بزرگ به نام امت اسلام در دنیا برقرار کند تا کسانی که می‌خواهند سلطه‌ای بر این دولت‌های اسلامی و مراکز اسلام پیدا بکنند به واسطه اجتماع بزرگی که مسلمین از هر طایفه هستند نتوانند. تمام مسلمین با هم برادر و برابرند و هیچ‌یک از آنها از دیگری جدا نیست و همه آنها زیر پرچم اسلام و زیر پرچم توحید باید باشند (صحیفه نور، ۱۳، ۲۲۵).

به‌طور کلی خط‌مشی حضرت امام خمینی (ره) از آغاز نهضت اسلامی مبتنی بر اندیشه وحدت اسلامی و نگرش امت‌مدارانه به مسائل جهان اسلام بود. امت اسلامی در اندیشه امام شامل همه مسلمانانی

بودند که فراتر از مرزهای جغرافیایی و تفاوت‌های نژادی، زبانی و قومی قرار می‌گیرند و فارغ از هر مذهب، پیرو دین اسلام هستند. رهبر معظم انقلاب نیز رمز ماندگاری و موفقیت را در اتحاد، انسجام و یگانگی می‌داند و با نامگذاری سال ۱۳۸۶ با نام اتحاد ملی و انسجام اسلامی ملت ایران و جهان اسلام را به این امر خطیر فرا می‌خواند. بیانات و نصایح ایشان حول دو محور اساسی وحدت ملی و انسجام اسلامی متمرکز است که در ادامه به‌طور مجمل به فرازهایی اشاره می‌شود:

ایشان در پیام نوروزی سال ۱۳۸۶ فرموده‌اند: «مسأله مهم، مسأله اتحاد عمومی مردم است. دشمنان با تبلیغات خود با جنگ روانی خود با تلاش‌های موزیانه گوناگون خود سعی می‌کنند بین صفوف ملت ایران اختلاف بیندازند. به بهانه گرایش‌های سیاسی، صنفی وحدت کلمه را از بین ببرند. علاوه بر این در سطح دنیای اسلام هم یک تلاش وسیع و عمیقی از سوی دشمن محسوس است برای اینکه میان ملت ایران و جوامع گوناگون مسلمان دیگر فاصله بیندازند، اختلاف مذهبی را بزرگ کنند، جنگ شیعه و سنی را در هر نقطه‌ای از دنیا که ممکن باشد به وجود بیاورند و عظمت و ابهت ملت ایران را در میان ملت‌های دیگر - که روز به روز بحمدالله تا امروز بیشتر می‌شود - از بین ببرند (صالحی، ۱۳۸۸، ۱۷۵).

رهبر معظم انقلاب در خصوص وحدت داخلی بیان می‌دارد که هرگونه اختلاف و تشنج‌آفرینی را عامل نابودی امکانات کشور می‌شمارد و همچون امام راحل، بیش از همه، مسؤولان و سیاست‌گذاران عالی‌رتبه نظام را به وحدت و پرهیز از اختلاف فرا می‌خواند. اگرچه این مسأله بسیار بدیهی است، ولی در عمل، توجیه‌ها و مصلحت‌اندیشی‌ها و هوای نفس و القای نفوذی‌ها، مانع از تحقق بخشیدن به آن می‌شوند. اختلاف و تشنج توان و امکانات کشور را به سوی بیراهه سوق می‌دهد و صرف قدرت‌طلبی و بیرون‌کردن حریف از میدان و البته به این مقدار بسنده نمی‌شود بلکه جناح‌ها و احزاب و جمعیت‌ها، در کشاکش کسب قدرت و انزوای حریف، دست به سوی بیگانه دراز می‌کنند و منافع و مصالح ملت و انقلاب را فدای هم‌آوردی و سابقه قدرت می‌نمایند. تشنج و اختلاف علاوه بر نتایج فوق، موجب ناامیدی ملت از مسؤولان و فاصله بین آنان شده و آرام‌آرام تمایل به سوی یک دیکتاتوری خشن ولی وحدت-بخش پیدا می‌کنند که بدترین سرنوشت برای یک ملت است. دیکتاتوری رضاخان از دل مشروطه به همین علت بیرون آمد! مردم متدین و فداکار و حاضر در صحنه نبایستی با خبرهای سیاسی از مسؤولان و به-تدریج از نظام قطع امید کنند. حفظ وحدت و پرهیز از تشنج از مهمترین وظایف مسؤولان نظام است. نفوذهایی که برنامه دشمن را در صفوف خودی دنبال می‌کنند، بایستی از سوی مسؤولان شناسایی و طرد شوند. هر صدایی که از آن بوی تشنج و اختلاف برآمد بی‌گمان از دشمن و دشمنی حکایت می‌کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲، ۱۵۹).

مقام معظم رهبری درخصوص تفکرات ناسیونالیستی نیز بیانات ارزشمندی دارد که با تأکید بر ناسیونالیستی مثبت بیان می‌دارد که ما در مباحث مربوط به ناسیونالیسم هم گرایش‌های مثبت داریم و هم گرایش‌های منفی. گرایش مثبت این است که من خودم را وابسته به مجموعه‌ای می‌دانم. گرایش منفی یا نافعی آن است که این همبستگی خودم را به معنای نفی دیگران بدانم. ما ناسیونالیسم را به معنای مثبتش قبول داریم. هر کس باید به میهن خودش علاقه داشته باشد (حدیث ولایت، ۴، ۱۰۰-۱۰۱). در سطح وسیع‌تر و جهان اسلام نیز با درایت تمامی مسلمین را به وحدت و انسجام دعوت می‌کند و در بیاناتشان اشاره می‌کند که وحدت و ایجاد اتحاد یک امر پیچیده‌ای است. اتحاد بین ملت‌های اسلامی با اختلاف مذاهب می‌سازد با اختلاف شیوه‌های زندگی و آداب زندگی می‌سازد با اختلاف فقها می‌سازد. معنای اتحاد بین ملت‌های اسلامی این است که در مسائل مربوط به جهان اسلام، هم سو حرکت کنند، به یکدیگر کمک نمایند. در داخل این ملت‌ها، سرمایه‌های خودشان را علیه یکدیگر به کار نیندند (حدیث ولایت، ۸، ۷۵).

به‌طور کلی ایشان با روشنگری و واقع‌بینی شرایط امروز را چنین توصیف می‌کند: دولت‌ها و قدرت‌ها و اداره‌کنندگان جهان برای مصالح دولت‌ها و مسائل سیاسی خود، به سمت وحدت پیش می‌روند، درحالی‌که تمام تلاش‌های استکبار جهانی در جهت تضعیف ملت‌ها و به خصوص امت اسلامی و ایجاد اختلاف بین انسان‌ها به کار می‌رود.

کاستلز به‌عنوان یکی از جامعه‌شناسان معاصر و صاحب اثر وزین سه‌جلدی «عصر اطلاعات» به مباحث مختلفی از جمله هویت، قدرت، ناسیونالیسم، جنبش‌های اجتماعی و ... در سطح کلان و جهانی می‌پردازد. وی در خصوص ملت و هویت ملی بیان می‌دارد؛ یک ملت تنها زمانی یک هویت یکپارچه ملی قابل پذیرش می‌یابد که اعضای آن کلیه اختلاف‌های مذهبی، زبانی، سیاسی، جغرافیایی و اقتصادی‌شان را کنار گذاشته و خود را جزئی واحد و یکپارچه بدانند این هویت ملی با گذر از چندگانگی هویت‌های قومی و محلی به عنوان یک هویت مستقل در سطحی وسیع‌تر مطرح می‌شود. این هویت با فراگرد خلق مداوم عینیت پیدا کرده و تا آن درجه از انحصار برخوردار است که می‌تواند شیوه بیانی را که مشروع دانسته می‌شود، اعمال کند و زبان مشروعی برای آن در نظر بگیرد. هویت به کمک سیاست مشروع‌سازی از محیط پیرامونش متمایز می‌شود و مرزی بین این دو به وجود می‌آید. اصولاً تصور هویت بدون تصور وجود مرز بین آن و محیط اطراف ممکن نیست. به‌طور کلی هویت نظام‌های اجتماعی دارای ساختار می‌باشد و بر اساس همین ساختاریابی بین اجزای آنها همبستگی و انسجام ایجاد می‌شود (کاستلز، ۲، ۱۳۸۸، ۲۲).

کاستلز در بخشی از کتاب خود با اشاره به ظهور اسلام‌گرایی در پایان قرن بیستم به تشریح و تبیین جنبش بنیادگرایی اسلامی در هزاره سوم می‌پردازد و بیان می‌دارد که دید نویسندگانی که فکر اسلامی این

قرن را ساخته‌اند مثل حسن البنا و سید قطب در مصر، علی الندای در هند یا سید ابوالاعلی مودودی در پاکستان، تاریخ اسلام بازسازی می‌شود تا تبعیت همیشگی دولت از دین نشان داده شود. برای یک مسلمان وابستگی بنیادی نه به وطن بلکه به امت و اجتماع مؤمنان است که همگی از نظر تسلیم بودن در برابر الله برابر و یکسانند. این برادری جهانی از حد و مرز نهادهای دولت ملی که منبع تقسیم و تمایز مؤمنین قلمداد می‌شود، فراتر می‌رود. این فرایند باید با نوزایی معنوی بر مبنای صراط مستقیم (راه راست) آغاز شود که سرمشق آن را می‌توان در جامعه‌ای یافت که پیامبر اسلام (ص) در مدینه سازمان داده بود (کاستلز، ۱۳۸۸، ۳۳-۳۲).

از نظر دورکیم، انسجام اجتماعی مؤلفه‌ی اصلی عمل و رفتار اجتماعی است و اساس آن را اخلاقیات یا مقررات اخلاقی تشکیل می‌دهد که به عقیده‌ی وی عبارت است از؛ مجموعه‌ای از قواعد و هنجارها که کردار انسان را راهنمایی و مهار می‌کند. وجود این رهنمودها بدین معنی است که افراد مطابق با تعهدات خود نسبت به دیگران و به طور کلی جامعه، به کنش متقابل دست می‌زنند. از این رهگذر، افراد از حقوق و میزان مشارکت خود در ایجاد همبستگی اجتماعی شناخت پیدا می‌کنند، لذا اخلاقیات برای ایجاد همبستگی میان مردم بسیار ضروری هستند، این قواعد اخلاقی، چسبندگی اجتماعی به وجود می‌آورد که خرده‌گروه‌های مستقل فرهنگی را به یکدیگر پیوند می‌دهد. بدون اخلاقیات جامعه نمی‌تواند به بقای خود ادامه دهد (گرب، ۱۳۷۳، ۱۰۰). به تعبیر دیگر زمانی که اخلاقیات و به فراخور آن همبستگی و انسجام اجتماعی تضعیف گردد، آسیب‌های اجتماعی گوناگونی در جامعه ظهور خواهد کرد.

از دیدگاه پارسونز نیز انسجام یکی از ابعاد نظم اجتماعی است. وی چهار شکل کارکردی عام را برای نظام‌های اجتماعی در هر سطحی مطرح می‌کند: ۱- مسأله انطباق با محیط ۲- مسأله تحصیل هدف ۳- مسأله انسجام ۴- مسأله حفظ انگاره‌های فرهنگی.

به نظر وی مسأله انسجام با تکیه بر هسته‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای مشترک که حل می‌گردد گاه به واسطه عامل‌های اجتماعی به‌عنوان امر مشروع پذیرفته می‌شود (گی‌روشه، ۱۳۸۸، ۱۰۷). نکته اساسی در اندیشه پارسونز توجه به نظم و همبستگی بین عناصر و خرده‌نظام‌های یک سیستم است به گونه‌ای که هماهنگ و یکپارچه عمل می‌کنند البته در عالم واقع هیچ سیستم و اجتماعی را نمی‌توان یافت که کاملاً منسجم و متعادل باشد و همواره بین این عناصر در عین اینکه نظم و وحدتی حاکم است نوعی بی‌نظمی و ناهماهنگی نیز وجود دارد ... همچنین در نظر پارسونز کنشگر ارزش‌های موجود در جامعه را کسب نموده و فعالانه در ساختن آنها نقش ایفا می‌کند. فرهنگ نیز بی‌اعتنا به کنشگران کارکرد خود را که برقراری انسجام و اتحاد می‌باشد انجام می‌دهد. لذا در جهان اجتماعی گروه‌های اجتماعی با هم هم‌نوا گردیده،

گروه‌هایی هم که فرهنگ هنجاری عام را درونی نموده‌اند از فرآیند وحدت فرهنگی بیرون رانده می‌شوند (سوینگوود، ۱۹۹۸، ۲۳).

جاناتان ترنر در تلاشی تحسین برانگیز برای ارائه یک نظریه عمومی دینامیزم ساختاری، سه فرآیند ژنریک را جز خصائل عام هر جهان اجتماعی می‌داند. این فرآیندها عبارتند از فرآیند تجمع، فرآیند تفکیک و فرآیند انسجام. ترنر تحت تأثیر دورکیم، انسجام را فرآیند سازمان‌دهنده نظم اجتماعی می‌داند که واحدهای اجتماعی منفک را با یکدیگر مرتبط می‌سازد. به نظر می‌رسد که برای ترنر یکی از مسائل اساسی نظم اجتماعی «انسجام» می‌باشد. در این راستا سه فرآیند انسجام اساسی را در سه محور مطرح می‌نماید و برای هر محور سه انگاره متغیر مربوط به هم می‌بیند:

ابعاد متغیر انسجام

	(۱)	(۲)	(۳)
	هماهنگی ساختاری	وحدت نمادی	تحکیم سیاسی
	(الف) ادخال	(الف) ارزیابی	(الف) تراکم
انسجام متغیر های انگاره	(ب) متقابل وابستگی	(ب) تهرایی	(ب) تمرکز
	(ج) مشترک عضویت	(ج) تنظیمی	(ج) سازی مشروع

اولین فرآیند انسجامی بین کنشگران اجتماعی، هماهنگی ساختاری ایجاد می‌نماید و سه شکل اساسی مرتبط به هم به خود می‌گیرد: (۱) میزان ادخال ساختاری (واحدهای داخل واحدهای جامع‌تر)؛ (۲) میزان وابستگی متقابل (میزان وابستگی متقابل واحدها در عملیاتشان نسبت به یکدیگر)؛ (۳) میزان عضویت مشترک ساختاری (میزان عضویت مشترک واحدها). دومین فرآیند انسجامی، وحدت نمادی مابین کنشگران اجتماعی با مراجعه به هیأت مشترک نمادها است که سه شکل اساسی به خود می‌گیرد: (۱) میزان وفاق روی نمادهای ارزشیابی؛ (۲) میزان وفاق روی تحکیم سیاسی (۳) تنظیم روابط مابین کنشگران توسط کنشگران بیرونی است که حائز قدرت‌اند (چلبی، ۱۳۷۵، ۱۴).

فرآیند انسجام، فرآیندی است که واحدهای متمایز به یکدیگر پیوند می‌خورند، خرده‌فرهنگ‌ها در این معنا تمایز یافتگی در شکل فرهنگی هستند و وفاق اجتماعی نیز انسجام یا پیوستگی است، پیوستگی در قالب وحدت نمادین یا وحدت فرهنگی. این فرآیند انسجام در سه نوع طبقه‌بندی می‌شود که عبارتند

از: ۱- هماهنگی ساختاری و کارکردی بین کنشگران (میزانی که اهداف و فعالیت‌های اجتماعی پشتیبان یکدیگرند) ۲- وحدت نمادین بین کنشگران برپایه شکل‌گیری اهداف و فعالیت‌های حول قالب‌های فرهنگی و نمادین مشترک، وحدت نمادین به چهار بعد اساسی نیازمند است: وحدت شناختی، وحدت قانونی، اجتماعی (هنجاری) و وحدت ارزشی - اخلاقی. ۳- ثبات سیاسی بر پایه نوع و میزانی که اهداف و فعالیت‌های واحدهای اجتماعی توسط کنشگران بیرونی صاحب‌قدرت با استفاده از قانونگذاری یا ابزارهای اجبار تنظیم می‌شود (روشنی، ۱۳۸۳، ۴).

از نظر گیرتز در بسیاری از ملت‌های در حال تکوین، تنها ملاک تشخیص واحدهای سیاسی؛ خون، زبان، نژاد و وابستگی به یک مکان همه اجزای وابستگی‌های کهن - است که گاهی برای تعریف گروه‌های سیاسی در صورت لزوم استفاده می‌شود تا در سطح سیاست‌های ملی مطرح شوند. البته این تعلقات به معنای مخالفت با اندیشه دولت نیست بلکه مبنای گروه‌های قدرتی است که برای دستیابی به قدرت با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. زمانی اتحاد و وحدت سیاسی محقق می‌گردد که واحدهای بزرگتر بر پایه روابط و علائق قدیمی و اولیه بنا شود. در چنین حالتی بلوک‌های قومی به واحدهای کارکردی ملت تبدیل شده و سرانجام آگاهی از نوع یا همبستگی کهن گسترش می‌یابد و به آگاهی از نظم در حال تکوین تبدیل می‌شود (گیرتز، ۱۹۶۳، ۱۱۲).

در تقابل با این دیدگاه «بندیکت اندرسون» بیان می‌دارد که هویت ملی به وسیله مفهومی از زبان مدرن ممکن گشت و به وسیله استفاده ملی‌گرایان از وجوه سرمایه‌دارانه، ارتباطات گسترش پیدا کرده چون سرمایه‌داری مدرن نیازمند یک نظام آموزشی مشترک و نیز زبان مشترک در کارخانه‌های مدرن بود. چاپ کتاب یکی از اولین اقدامات سرمایه‌داری برای کارآفرینی بود که می‌خواست از این طریق به بازارها دسترسی پیدا کند. به نظر وی سه عامل مهم باعث ایجاد زبان ملی توسط سرمایه‌داری شد که از میان آنها دو عامل به رشد آگاهی ملی یاری رساند. عامل نخست که اهمیت چندانی نداشت تغییر زبان لاتین بود. عامل دوم رفرماسیون بود که توفیق خود را مدیون سرمایه‌داری عصر چاپ بود و بالاخره عامل سوم گسترش زبان‌های ملی به عنوان ابزاری جهت ایجاد تمرکز توسط برخی از سلاطین بود. وی در ادامه خاطرنشان می‌کند که بیش از این دوران زبان در دربارها و مسائل داخلی آنها به کارگرفته می‌شد و چیزی نبود که بر مردم تحمیل شود (اندرسون، ۱۹۹۱، ۳۸).

نکته مهمی که اندرسون خاطرنشان کرد و دارای اهمیت بسزایی است، مسأله روایت هویت است. از نظر وی هویت ملی چیزی است که مدام توسط ابزارهایی نظیر روزنامه، نظام آموزشی و کتاب روایت می‌شود (اندرسون، ۱۹۹۱، ۴۲). باتوجه به آنچه که بیان شد، «اندرسون» شکل‌گیری ناسیونالیسم و ملیت را به دوران سرمایه‌داری منحصر می‌کند و جنبه تاریخی آنرا نادیده می‌گیرد، از سوی دیگر هرچند نظریات

اندرسون در مورد شکل‌گیری ناسونالیسم در اروپا مصادیقی داشته باشد اما آنچه که مبرهن است ناسیونالیسم در کشورهای جهان سوم، یک ناسیونالیسم ضداستعماری و ضدامپریالیستی بوده است نه متأثر از نظام سرمایه‌داری.

چلبی در کتاب جامعه‌شناسی نظم بیان می‌دارد؛ در شکل ناب و به اصطلاح طبیعی آن، جوهره اصلی اجتماع قابل تحویل به علقه اجتماعی و تعهدات مشترک و نسبتاً پایدار بین تعدادی کنشگر با پشتوانه تعاملاتی گرم توأم با سوگیری سستی است. به نظر وی نوع و اندازه اجتماع بستگی به چهارعنصر (اجتماع سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و طبیعی) دارند، نوع اجتماع به نوع تعهد و وجوه علقه ارتباطی، بستگی دارد و اندازه اجتماع به تعداد کنشگران مشمول آن وابسته است.

یکی از کوچکترین اشکال اجتماع طبیعی، خانواده است. خانواده یک اجتماع با یک (ما) ی کوچک است که در آن تعهدات اجتماعی و علقه های زناشویی (پیوند دوستی) نسبتاً پایدار بین حداقل دو نفر (زن و مرد) با پشتوانه تعاملات گرم و انتشاری وجود دارد. اجتماع شخصی، اجتماع دوستی، اجتماع همسایگی، اجتماع قومی از دیگر اشکال اجتماع طبیعی هستند.

گروه‌های مذهبی مثل امت اسلامی و گروه های عقیدتی هر یک اجتماع اخلاقی را تشکیل می‌دهند. اجتماع اخلاقی بر تعهدات ارزشی مشترک و علائق مشترک در فهم روابط بین ذهنی مابین تعداد کثیری از کنشگران عمدتاً با پشتوانه تعاملات گفتگومانی نسبتاً گرم، استوار است. اجتماع سیاسی بر اساس تعهدات مشترک نسبت به اهداف جمعی و علائق مشترک در تنسيق اجتماعی محیط مابین تعدادی کنشگر عمدتاً با پشتوانه تعاملات اقتداری جاذب، استوار است.

تعهد نسبت به اهداف جمعی		تعهد نسبت به کنترل منابع اقتصادی
	G I	A L
تعهد اجتماعی		تعهد ارزشی

آنچنان که ملاحظه شد، دو عنصر اساسی در تعریف مفهومی اجتماع، تعهد و علقه اجتماعی می‌باشد. همانطور که در شکل بالا آمده، تعهد عناصر محوری هرگونه اجتماع است. از لحاظ مفهومی در هر مورد از تعهد، نوعی ضرورت وجود دارد؛ ضرورت برای کسی در انجام چیزی. اما باید بلافاصله اضافه شود که ضرورت مورد نظر از نوع ضرورت فیزیکی و یا بایستگی احتیاطی نیست. تعهد آنگاه که با علقه

اجتماعی ترکیب شود حائز نوعی ضرورت اجتماعی و اخلاقی می‌شود. این نوع ضرورت بیشتر صیغه قطعی دارد تا شرطی (چلبی، ۱۳۷۵، ۷۱).

علقه در تنسيق اجتماعى محيط		علقه در بده بستان
	G I	A L
	علقه ارتباطى	
علقه اجتماعى		علقه در فهم روابط بين ذهنى

۴- ابعاد علقه ارتباطى

چلبی همچنین به نقش کلیدی اعتماد به عنوان عاملی در انسجام اجتماعی توجه نموده و با اشاره به دیدگاه دورکیم و تونیس در خصوص همبستگی و اعتماد اجتماعی بیان می‌دارد که بدون نوعی اعتماد، پایداری نظم اجتماعی ممکن نیست (چلبی، ۱۳۷۵، ۱۲) در فرآیند توسعه اجتماعی با شکل‌گیری اعتماد قطعاً میزان عضویت اعضای جامعه در گروه‌ها سازمان‌ها و انجمن‌های مختلف افزایش می‌یابد و آمادگی فرد برای برقراری ارتباط بیشتر می‌شود و بدین ترتیب اعتماد اجتماعی متقابل تعمیم می‌پذیرد.

۵- منابع تجربی

محرابی در کتاب «بررسی و تبیین مبانی و مؤلفه‌های انسجام ملی» بیان می‌دارد که انسجام ملی از جمله دغدغه‌های جدی کشورهای مستقل می‌باشد که در عین حال فواید بی‌شماری دارد؛ مهمترین منفعت آن برقراری امنیت ملی است که ارتباطی عمیق با چگونگی پیوند مردم با یکدیگر از یکسو و مردم با حاکمیت از سوی دیگر در قالب انسجام سازی درون یک کشور دارد. وی در ادامه تلاش تمامی حکومت‌ها را تحقق انسجام ملی و کاهش آسیب‌های احتمالی می‌داند و بیان می‌دارد که به طور یقین امنیت، آسایش و رفاه در گرو انسجام ملی است. در سایه انسجام ملی آحاد افراد جامعه فارغ از دغدغه‌ها و نگرانی‌های درونی و بیرونی توانمندی و استعدادهای ذاتی و بالقوه خویش را به فعلیت می‌رساند و به رشد و بالندگی و اعتلای فرد و جامعه شکوه و جلوه ویژه‌ای می‌بخشد. به نظر وی اصول و مبانی کلی و مشترک نظیر مشارکت، اصل اعتمادسازی و غیره وجود دارد که مبنای اتحاد و انسجام بوده و در تمام کشورها بدان توجه می‌شود (محرابی، ۱۳۸۷).

حاجیانی در مقاله «مسأله وحدت ملی و الگوی سیاست قومی در ایران» به ارائه راهکارهایی در حوزه‌های: ۱- فرهنگی (تأکید بر موارث فرهنگی یا پیشینه مشترک تاریخی به‌ویژه همزیستی دائمی و دخالت تاریخی اقوام در حاکمیت، تأکید بر زبان که البته نباید به معنی جلوگیری از کاربرد دیگر زبان‌ها و گویش‌ها شود و ارتقاء سطح سواد و رشد آموزش و پرورش) ۲- سیاسی (تقویت رویکرد مثبت نخبگان در خصوص اقوام و مذاهب، تحقق حقوق شهروندی و تقویت نهادهای مدنی، برابری فرصت‌های اساسی مانند دستیابی به مقامات سیاسی، تحصیلات، اشتغال، امکانات رفاهی و...) ۳- اجتماعی (تقویت روحیه احترام، عزت و تکریم شهروندان از سوی یکدیگر، نهادینه‌کردن عناصر مثبت از جمله نظرات، سلیقه‌ها و حقوق اقلیت‌ها، افزایش میزان تحمل، سعه‌صدر و فرهنگ تساهل و مدارا، تقویت احساسات عام‌گرایانه) ۴- اقتصادی (توجه به عمران و توسعه منطقه‌ای مناطق مرزی و قوم‌نشین، کاهش محرومیت‌ها در مناطق قومی، افزایش فرصت‌های شغلی) پرداخته و بیان می‌دارد که تمامی کوشش‌ها برای حفظ و ارتقاء ملی‌بایستی در چارچوب گفتمانی و با روش گفتگو و پرهیز از خشونت دنبال شود، در حقیقت در پرتو انسجام ملی فضای گفتگو و مذاکره تأمین می‌شود و این روشی است که تفاهم و وحدت ملی را به وجود می‌آورد (حاجیانی، ۱۳۸۶).

پرتوی در پژوهشی با عنوان «ملی‌گرایی و اسلام در ایران» بیان می‌دارد که ملت‌سازی و ایجاد هویت-سیاسی مشترک از موضوعات حائز اهمیت در جامعه‌شناسی سیاسی و نظریات توسعه است که برای جوامع در حال توسعه و از جمله برای ایران قرن بیستم از اهمیت خاصی برخوردار است. از نظر او حل بحران هویت و ایجاد حس ملی واحد، اولین گام در توسعه اجتماعی و سیاسی و حرکت در جهت حل بحران‌های مشروعیت و مشارکت محسوب می‌شود. وی با مطالعه تاریخی در این خصوص بیان می‌دارد که در دوره پهلوی تکیه بر ناسیونالیسم متکی بر نژاد آریایی، زبان فارسی و تاریخ ایران باستان همراه با دین‌زدایی از جامعه اولویت یافت. اما در اوایل انقلاب پایه «ایرانیت» جامعه تا حدی به سستی گرایید و منافع و افتخارات ملی (ایرانی) تحت الشعاع آرمان‌های دینی قرار گرفت که این وضعیت نیز به دلیل یکسونگرانه‌بودن، وفاق اجتماعی را متزلزل ساخت. ولی از دهه دوم انقلاب به تدریج افراط‌گری‌های دینی‌مدارانه رو به تعدیل نهاد و فرآیندی شکل گرفته که در طی آن «ایرانیت» و «اسلامیت» به موازات هم مطرح می‌شود و نوعی هویت ایرانی-اسلامی شکل می‌گیرد. به نظر محقق علت اصلی تزلزل وفاق اجتماعی و ملی در برهه‌هایی از تاریخ معاصر ایران، اتخاذ راه‌حل‌های یکسونگر در تبیین هویت ملی بوده است (پرتوی، ۱۳۷۹).

صالحی در کتاب «انسجام ملی و تنوع فرهنگی» ضمن اشاره به سیاست‌های شکست‌خورده همگون و هماهنگ‌سازی در برخی کشورها از جمله روسیه، یوگسلاوی و... بر وجود تنوع فرهنگی و قومی در

کشورهای مختلف جهان اشاره نموده و بر سیاست‌های تفاوت و تكثر تأکید داشته و راهکارهایی در سطوح مدیریتی، سیاست‌گذاری و قانونگذاری برای حفظ انسجام بین خرده‌فرهنگ‌ها و فرهنگ ملی ارائه داده و در پایان برای اجرایی‌نمودن این سیاست‌ها، راهکارهایی اجرایی و عملیاتی از جمله مشارکت احزاب و گروه‌ها، همکاری و همدلی بین دولت با مردم، تقویت اعتماد میان اعضای جامعه، پذیرش تنوع قومی، زبانی و مذهبی و شناخت تهدیدهای خارجی پیشنهاد می‌دهد (صالحی امیری، ۱۳۸۸).

عبداللهی در مقاله «مکانیسم و دینامیسم هویت جمعی در ایران» به این نتیجه رسیده است که جامعه آماری تحقیق به گونه‌ای پایبند ارزش‌ها و هنجارهای قومی و فامیلی خود بوده و در فعالیت‌های روزمره مصالح و منافع قومی و فامیلی را بر مصالح ملی و منافع عام ترجیح می‌دهند (عبداللهی، ۱۳۷۸). غلامی نیز ضمن «بررسی راه‌های تقویت وفاق ملی در استان کردستان» به تكثر فرهنگی، توجه به اصول، مبانی و شاخص‌های ملی و همگانی اجتماع ایرانی را مهم و اساسی دانسته و پیشنهاد می‌کند که برای تقویت وفاق ملی نیازمند عدالت توزیعی، کاهش اختلافات مذهبی، توجه به مدیریت بومی، توسعه امکانات زیربنایی، ارتباطی و آموزشی می‌باشیم (غلامی، ۱۳۷۸).

۶- فرضیات پژوهش

- ۱- به نظر می‌رسد بین «پایگاه اقتصادی- اجتماعی» دانشجویان با میزان گرایش آنها به «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» رابطه وجود دارد. بدین معنا که هرچه «پایگاه اقتصادی- اجتماعی» بالاتر باشد، گرایش به «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» بیشتر خواهد بود.
- ۲- به نظر می‌رسد بین «میزان اعتماد دانشجویان به دولت‌ردان» با میزان گرایش آنها به «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» رابطه وجود دارد. بدین معنا که هرچه میزان «اعتماد به دولتمردان» بیشتر باشد، گرایش به «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» بیشتر خواهد بود.
- ۳- به نظر می‌رسد بین میزان «عضویت در تشکل‌های مدنی» با میزان گرایش به «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» رابطه وجود دارد. بدین معنا که هرچه میزان «عضویت در تشکل‌های مدنی» بیشتر باشد، گرایش به «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» بیشتر خواهد بود.
- ۴- به نظر می‌رسد بین میزان «مشارکت سیاسی دانشجویان» با میزان گرایش آنها به «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» رابطه وجود دارد. بدین معنا که هرچه میزان «مشارکت سیاسی دانشجویان» بالاتر باشد، گرایش به اتحاد ملی و انسجام اسلامی بیشتر خواهد بود.

- ۵- به نظر می‌رسد بین «احساس تعلق اجتماعی عام» از سوی دانشجویان با میزان گرایش آنها به «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» رابطه وجود دارد. بدین معنا که هرچه «احساس تعلق اجتماعی» عام‌تر باشد، گرایش به اتحاد ملی و انسجام اسلامی بیشتر خواهد بود.
- ۶- به نظر می‌رسد بین میزان «گرایش به عقاید دینی و عبادی» دانشجویان و گرایش آنها به اتحاد ملی و انسجام اسلامی رابطه وجود دارد. بدین معنا که هرچه «گرایش به عقاید دینی و عبادی» دانشجویان قوی‌تر باشد، گرایش به اتحاد ملی و انسجام اسلامی بیشتر خواهد بود.

۷- روش تحقیق

روش پژوهش حاضر از نوع تحقیق پیمایشی یا زمینه‌یابی می‌باشد. دلیل بکارگیری این روش پراکندگی و گستردگی جامعه آماری می‌باشد. متغیرهای مورد سنجش عبارتند از

۱-۷- متغیر وابسته

اتحاد ملی و انسجام اسلامی است. منظور از اتحاد ملی به معنای نداشتن گرایش منفی نسبت به دیگران و داشتن حس علاقه‌مندی به میهن و متحدشدن همه گروه‌ها و قومیت‌های داخل یک سرزمین (وینست، ۱۳۷۱، ۵۷). برای سنجش اتحاد ملی از ۱۲ گویه از جمله: علاقه‌مندی به میهن، عدم توهین و بی‌احترامی به اقوام و ملت‌های دیگر، دوری از جریحه‌دارکردن احساسات اعضای دیگر اقوام، گرایش به تاریخ و سرنوشت مشترک اقوام ایرانی، دفاع فرهنگی از میراث مشترک فرهنگ ایران زمین، موضع‌گیری هماهنگ و مشترک همه اقوام ایرانی در مقابل تهدیدات خارجی علیه کشور و ... استفاده شده است.

منظور از انسجام اسلامی متحدشدن مذاهب مختلف بر محور توحید و کتاب آسمانی و دشمنی نکردن آنها با همدیگر است (موسوی، ۱۳۶۲، ۹۶) برای سنجش انسجام اسلامی از ۱۰ گویه مثل: عدم دشمنی مذاهب اسلامی با هم، هم‌سو بودن مذاهب اسلامی در مسائل مربوط به جهان اسلام، کمک کردن مذاهب اسلامی به یکدیگر در حل مسائل و مشکلات یکدیگر، حرکت همه مذاهب بر محور کتاب و سنت پیامبر، تکیه کردن روی موارد توافقی مذاهب و فرقه‌ها و... استفاده شده است.

۲-۷- متغیرهای مستقل

- ۱- پایگاه اقتصادی اجتماعی (۴ گویه) ۲- میزان اعتماد به دولت (۷ گویه) ۳- میزان عضویت در تشکل‌های مدنی (۵ گویه) ۴- میزان مشارکت سیاسی (۷ گویه) ۵- میزان گرایش به عقاید دینی و عبادی (۱۰ گویه) ۶- احساس تعلق اجتماعی عام (۶ گویه).

۳-۷- متغیرهای زمینه‌ای

سن، جنس، رشته تحصیلی، دانشگاه محل تحصیل، قومیت، مذهب. جامعه آماری در این تحقیق شامل کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل در واحدهای دانشگاهی منطقه ۱۱ دانشگاه آزاد می‌باشد که عبارتند از کرمانشاه، اسلام‌آباد غرب، صحنه، کنگاور، سنقر، جوانرود، سنندج، قروه، بیجار، سنقر، مریوان، ایلام، دره‌شهر، آبدانان در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ می‌باشد که بر اساس آمار ادارات آموزش واحدهای فوق‌بالغ بر ۳۱۱۶۸ نفر می‌باشند.

در این تحقیق از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای مطابق نسبی استفاده شده است: بدین شرح که ابتدا از بین ۱۳ واحد دانشگاهی منطقه، ۴ واحد دانشگاهی ایلام، صحنه، سنندج و کرمانشاه را به صورت تصادفی انتخاب نموده در مرحله دوم به دلیل تفاوت در تعداد دانشجویان از بین واحدهای دانشگاهی به تناسب جمعیت، تعداد نمونه‌ها را مشخص نموده و سپس با در نظر گرفتن تناسب جنسی و رعایت کسر نمونه‌ای در طبقات به تعداد نمونه مشخص شده در هر واحد دانشگاهی، پرسش‌نامه تکمیل گردید. تعداد پرسش‌نامه بر حسب جمعیت نمونه حاصل شده بر اساس فرمول کوکران ۳۲۵ مورد بوده و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه حضوری می‌باشد. سؤالات و گویه‌ها در ۴ صفحه تنظیم گردیده و با مصاحبه حضوری پرسشگر از پاسخگو اطلاعات و داده‌های لازم جمع‌آوری شد.

۸- اعتبار و پایایی

در این تحقیق ما به دنبال اعتبار محتوایی پرسش‌نامه بودیم که در آن به بررسی اجزا و شاخص‌های تشکیل‌دهنده ابزار اندازه‌گیری پرداخته شد. اعتبار محتوایی در این تحقیق با مراجعه و تبادل نظر با صاحب‌نظران و اساتید دانشگاه‌ها تضمین گردیده است. برای سنجش پایایی درونی، ابزار تحقیق (پرسش‌نامه) از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد، نتایج به دست آمده مقدار پایایی استاندارد شده را برابر با ۰/۹۳۷ نشان می‌دهد و بیانگر اینست که ۲۲ گویه مربوط به متغیر «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» از میزان پایایی و به عبارتی همسازی درونی بسیار بالایی جهت سنجش این شاخص‌ها برخوردارند. لذا می‌توان گفت که ابزار اندازه‌گیری ما از پایایی بسیار بالایی برخوردار است.

۹- نتایج توصیفی

بر اساس یافته‌های به دست آمده جامعه آماری این تحقیق شامل دانشجویان شاغل به تحصیل در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ دانشگاه‌های آزاد منطقه یازده می‌باشد: ۳۲/۶ درصد از دانشجویان در واحد سنندج،

۳۵/۱ درصد از دانشجویان در واحد کرمانشاه، ۲۷/۴ درصد دانشجویان در واحد ایلام و ۴/۹ درصد دانشجویان در واحد صحنه انتخاب شده‌اند. قریب به اکثریت پاسخگویان (۷۱/۷ درصد) کرد می‌باشند و آن هم به دلیل ماهیت جامعه آماری پژوهش می‌باشد. ۱۲/۸ درصد فارس، ۳/۷ درصد ترک، ۰/۶ درصد عرب، ۸/۳ درصد لر، ۲/۵ درصد پاسخگویان فارس و ۰/۳ درصد پاسخگویان سایر اقوام هستند. جداول بیانگر آن است که ۷۱/۱ درصد از پاسخگویان دارای مذهب شیعه، ۲۳/۶ درصد دارای مذهب سنی و بقیه سایر مذاهب می‌باشند. براساس نتایج حاصله ۱۵/۳ درصد از پاسخگویان دارای پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالا، ۵۵/۴ درصد از پاسخگویان دارای پایگاه متوسط و ۲۹/۳ درصد از پاسخگویان دارای پایگاه پایین هستند. برای سنجش نگرش دانشجویان در خصوص میزان اعتماد به عملکرد مسئولین هفت گویه طراحی شد که نتایج مهمترین آنها نشان می‌دهد که حدود ۴۷ درصد پاسخگویان به مسئولان اعتماد دارند. می‌توان گفت میزان اعتماد دانشجویان به عملکرد مسئولان در حد قابل قبول بوده اما نیازمند تلاش بیشتر از سوی مسئولان برای انجام مطلوب‌تر وظایف و مسئولیت‌های محوله می‌باشد. برای سنجش میزان مشارکت سیاسی دانشجویان دو بعد از مؤلفه‌های «شرکت در انتخابات» و همچنین «حضور در تشکل‌ها و مناسبت‌های سیاسی» در نظر گرفته شده است. دانشجویان در امر مشارکت سیاسی در برخی ابعاد مثل شرکت در انتخابات (۶۰ درصد) و پیگیری اخبار و مسائل روز (۴۰ درصد) حضوری فعال داشته اما در سایر موارد مثل عضویت و همکاری با احزاب (۲۵ درصد) تمایل چندانی از خود نشان نداده‌اند. با این وجود به نظر می‌رسد که دانشجویان مورد مطالعه در مقایسه با دانشجویان سایر کشورها، مشارکت سیاسی بالاتری دارند. همچنین نتایج به دست آمده بیانگر اینست که از مجموع پاسخگویان، حدود ۷ درصد عضو انجمن اسلامی، ۱۵ درصد عضو بسیج دانشجویی، ۳ درصد عضو شورای صنفی و عضویت در سایر تشکلات در حد صفر بوده است. می‌توان گفت که عضویت دانشجویان در تشکل‌های مدنی چندان قوی نیست و آن می‌توان ناشی از تمایلات فردی دانشجویان و عدم روحیه کار جمعی تلقی نمود. برای سنجش متغیر «پابندی به عقاید دینی» از ده گویه استفاده شد که ضمن مقایسه مناسک فردی با مناسک جمعی از ۱۰۰ درصد فراوانی جداول مربوطه، ۶۹ درصد تمایل به انجام امور فردی مناسک دارند این در حالی است که از ۱۰۰ درصد فراوانی جداول مربوطه دیگر (ایثار، آموزش جمعی مناسک دینی و...) ۵۲ درصد تمایل به انجام تکالیف جمعی دارند. این نتایج بیانگر اهمیت و جایگاه دین در بین دانشجویان می‌باشد به اعتقادات دینی خود ایمان راسخ داشته و تاحدی خود را مقید به انجام امور و مناسک دینی می‌دانند.

در خصوص احساس تعلق و وابستگی به اجتماع که براساس سطوح هویتی خاص (قومی) تا عام (اسلامی) طراحی گردیده است به دنبال سنجش میزان تعلق و دلبستگی دانشجویان به هر یک از این اجتماعات هویتی بوده همچنین از یافته‌های جداول چنین بر می‌آید که فرد در عین حالی که دارای هویت

قومی، محلی می‌باشد خود را نیز به گونه‌ای متعلق به هویت اسلامی می‌داند. هویتی که بر پایه ارزش‌های انسانی مشترک بنا نهاده شده‌است. نتایج جداول توصیفی بیانگر اینست که دانشجویان چندان مرز هویتی برای تعلقات قائل نشده و درعین حالی که خود را متعلق به اجتماع هویتی خاص (قومی) می‌دانند، به هویت‌های عام (اسلام) نیز اهمیت می‌دهند. این نتیجه حالتی پارادوکسیکال دارد که مؤید دیدگاه گیدنز، رابرتسون و همچنین عبداللهی و مروت می‌باشد بدین معنا که هویت‌های مختلف با همدیگر تعامل داشته و به گونه‌ای با هم پیوند خورده و بخشی از هویت فرد را شامل می‌شود. این هویت‌ها در عین حالی که با هم متفاوتند اما چندان تعارض و تناقضی با هم نداشته و می‌توانند همسو و هماهنگ با هم باشند.

جدول شماره ۱. نتایج توصیفی اتحاد ملی و انسجام اسلامی

ردیف	گویه	کاملاً موافق	موافق	تاحدودی	مخالف	کاملاً مخالف
۱	«به میهنم ایران علاقه زیادی دارم»	٪۶۷	٪۱۶٫۸	٪۱۰	٪۱٫۹	٪۴٫۴
۲	«نیاید به سایر هم میهنان خود توهین کنیم»	٪۵۶٫۱	٪۳۰٫۸	٪۵٫۶	٪۲٫۵	٪۵
۳	«بایستی از جریحه دار نمودن احساسات سایر اقوام پرهیز نمود»	٪۶۱٫۹	٪۲۲٫۵	٪۹٫۱	٪۳٫۴	٪۳٫۱
۴	«علاقتمند به تاریخ و سرنوشت اقوام ایرانی می‌باشم»	٪۵۶٫۶	٪۲۲٫۸	٪۱۲٫۸	٪۳٫۱	٪۵٫۶
۵	«حاضر با جان و مال از میراث فرهنگی ایران زمین دفاع کنم»	٪۴۹٫۱	٪۲۲	٪۱۴٫۹	٪۵٫۹	٪۸٫۱
۶	«بایستی همه اقوام ایرانی در مقابله با تهدیدات خارجی وحدت رویه داشته باشند».	٪۵۲٫۴	٪۲۱	٪۱۷٫۹	٪۴٫۴	٪۴٫۴
۷	«همه جای ایران وطن من است»	٪۶۳٫۵	٪۱۶٫۸	٪۱۱٫۴	٪۴٫۱	٪۴٫۱
۸	«در مقابل تجاوز به کشورم حاضر هر کاری که از دستم بریاید، انجام دهم»	٪۴۷٫۲	٪۳۰٫۷	٪۱۳٫۶	٪۱٫۶	٪۶٫۶
۹	«زبان فارسی رمز هویت ملی ماست»	٪۲۵٫۳	٪۳۵٫۱	٪۲۴	٪۷٫۲	٪۸٫۵
۱۰	«حفظ و تقویت جامعه ملی - ایرانی وظیفه فراگیر و هماهنگی است و باید برای یکپارچگی و همبستگی آن تلاش کنیم»	٪۴۴٫۸	٪۳۰٫۶	٪۱۵٫۵	٪۲٫۹	٪۶٫۱
۱۱	«همه افراد در مقابل حفظ و حراست از جامعه ملی مسئولیت دارند»	٪۵۰٫۸	٪۲۴٫۹	٪۱۶٫۳	٪۳٫۲	٪۴٫۸
۱۲	«ملت ایران جامعه یکپارچه است که فراتر از همه اقوام و فرقه های مذهبی دارای اصالت و سابقه تاریخی واحد است و باید همچنان یکپارچه بماند»	٪۴۹	٪۲۵	٪۱۴٫۱	٪۳٫۸	٪۰٫۸
۱۳	«چنانچه هر یک از اقوام اقداماتی برای جدا شدن از خاک ایران انجام دهند برای حفظ یکپارچگی سرزمین از آن دفاع می‌کنم»	٪۴۸٫۱	٪۲۰٫۵	٪۱۷٫۹	٪۵٫۱	٪۸٫۳
۱۴	«عدم دشمنی مذاهب اسلامی با هم»	٪۶۱٫۴	٪۱۸	٪۱۳٫۹	٪۲٫۹	٪۳٫۸
۱۵	«هم سو بودن مذاهب اسلامی در مسائل مربوط به جهان اسلام»	٪۴۹	٪۳۰٫۸	٪۱۳٫۵	٪۲٫۹	٪۳٫۸
۱۶	«کمک کردن مذاهب اسلامی به یکدیگر در حل مسائل و مشکلات یکدیگر»	٪۵۵٫۴	٪۲۳٫۷	٪۱۴٫۷	٪۱٫۹	٪۴٫۲
۱۷	«حرکت همه مذاهب بر محور کتاب و سنت پیامبر»	٪۵۶٫۵	٪۲۱٫۱	٪۱۳٫۷	٪۴٫۸	٪۳٫۸
۱۸	«بایستی بر موارد توافق مذاهب و فرقه ها تکیه نمود»	٪۴۱٫۳	٪۲۲٫۴	٪۲۳٫۱	٪۷٫۷	٪۵٫۴
۱۹	«ملت ایران مسلمان است و عضوی از جامعه اسلامی است که باید به سوی تحصیل جامعه بزرگ اسلامی حرکت نماید»	٪۵۸٫۲	٪۲۰٫۹	٪۱۰٫۳	٪۳٫۲	٪۷٫۴
۲۰	«هر انسانی فقط در مقابل هم دینان خود مسئول است»	٪۲۴	٪۲۱٫۱	٪۱۲٫۱	٪۱۷٫۳	٪۲۵٫۶
۲۱	«ملت ایران بر اثر تاریخ و هویت دینی اسلامی شکل گرفته است»	٪۳۸٫۱	٪۲۵٫۲	٪۱۷٫۱	٪۸٫۷	٪۱۱
۲۲	«اعتقاد به دین اسلام و برخورداری از فرهنگ و تاریخ مشترک اسلامی»	٪۳۹٫۸	٪۲۸٫۲	٪۱۶٫۸	٪۶٫۱	٪۹٫۱

تبیین داده‌ها

در این بخش ابتدا به همبستگی بین متغیرها پرداخته، سپس تحلیل رگرسیون چندمتغیره صورت گرفته و در پایان مدل تجربی که برآمده از نتایج می‌باشد ترسیم گردیده است.

جدول شماره ۲. سنجش رابطه بین «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» با متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل	ضریب پیرسون	سطح معناداری	فراوانی
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	٪۱۲۰	٪۱۱۸	۲۶۷
میزان مشارکت سیاسی	٪۳۴۵**	٪۰۰۰	۲۷۱
عضویت در تشکلهای مدنی	٪۱۶۷*	٪۰۳۰	۲۶۷
گرایش به عقاید دینی	٪۲۸۶**	٪۰۰۰	۲۹۵
اعتماد به مسئولین	٪۴۸۵**	٪۰۰۰	۲۶۷
تعلق اجتماعی عام	٪۴۸۳**	٪۰۰۰	۳۱۲

براساس نتایج تحلیل‌های دو متغیری که در جدول شماره ۳ آمده‌است، بیانگر اینست که نگرش دانشجویان درخصوص اتحاد ملی و انسجام اسلامی با پنج متغیر مستقل مشارکت سیاسی، عضویت در تشکلهای مدنی، گرایش به عقاید دینی، اعتماد به مسئولین و تعلق اجتماعی عام رابطه دارد اما با متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی رابطه معناداری ندارد.

فرضیه اول تحقیق «به نظر می‌رسد بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی دانشجویان با میزان گرایش آنها به اتحاد ملی و انسجام اسلامی رابطه وجود دارد» مورد تأیید قرار نگرفت و این می‌تواند بیانگر این باشد که نگرش دانشجویان به اتحاد ملی و انسجام اسلامی نگرشی یکسان و همانند باشد و دیگر به یک طبقه خاص منحصر و محدود نباشد. بنابراین به تعبیر پارسونز می‌تواند یک انسجام هنجاری مبتنی بر اصول مشترک ارزشی در جامعه باشد. بدین معنا که فرایند انسجام، فرآیندی است که واحدهای متمایز به یکدیگر پیوند خورده و خرده فرهنگ‌هایی از قبیل طبقات اجتماعی و اقشار شهری و روستایی دارای نگرشی واحد در خصوص اتحاد ملی و انسجام اسلامی هستند.

در فرضیه دوم «به نظر می‌رسد بین میزان اعتماد دانشجویان به دولتمردان با میزان گرایش آنها به اتحاد ملی و انسجام اسلامی رابطه وجود دارد» مورد تأیید قرار گرفت. این نتیجه می‌تواند مؤید دیدگاه چلبی باشد که به نقش کلیدی اعتماد به عنوان عاملی در انسجام اجتماعی توجه نموده‌است. این امر همچنین مؤید دیدگاه دورکیم و تونیس در خصوص انسجام و اعتماد اجتماعی بوده که بیان می‌دارند بدون نوعی اعتماد، پایداری نظم اجتماعی ممکن نیست. این فرآیند انسجام در سه سطح هماهنگی ساختاری و

کارکردی بین کنشگران، وحدت نمادین بین کنشگران (دانشجویان و دولتمردان) برپایه شکل‌گیری اهداف و فعالیت‌های حول قالب‌های فرهنگی و نمادین مشترک و همچنین ثبات سیاسی بر پایه نوع و میزانی که اهداف و فعالیت‌های واحدهای اجتماعی توسط صاحبان قدرت با استفاده از قانونگذاری یا ابزارهای اجبار تنظیم می‌شود. لذا می‌توان در فرآیند توسعه اجتماعی با شکل‌گیری اعتماد به دیگران به‌ویژه دولتمردان و مدیران قطعاً گرایش به اتحاد و انسجام بیشتر شود. نکته‌ای که مقام معظم رهبری بر آن تأکید فراوانی داشته و دارند و در یکی از فرمایشات خود بیان می‌دارد: «مردم متدین و فداکار و حاضر در صحنه نبایستی با خبرهای سیاسی از مسؤولان و به‌تدریج از نظام قطع‌امید کنند. حفظ وحدت و پرهیز از تشنج از اوجب واجبات برای مسؤولان نظام است و مسؤولان اعتماد مردم را ارج نهند».

یافته‌های تحقیق همچنین این فرضیه را که «به‌نظر می‌رسد بین میزان عضویت در تشکل‌های مدنی با میزان گرایش به اتحاد ملی و انسجام اسلامی رابطه وجود دارد» تأیید می‌کند. اجتماع اخلاقی بر تعهدات ارزشی مشترک و علائق مشترک در فهم روابط بین‌ذهنی مابین تعداد کثیری از کنشگران عمدتاً با پشتوانه تعاملات گفتمانی نسبتاً گرم، استوار است و عضویت در این تشکیلات به تساهل و تسامح افراد در مقابل اندیشه‌ها و تفکرات مختلف کمک کرده و موجبات همبستگی اجتماعی را فراهم و تقویت می‌کند. به تعبیری دیگر میزان عضویت اعضای جامعه در گروه‌ها، سازمان‌ها و انجمن‌های مختلف می‌تواند از یک طرف بیانگر همبستگی و انسجام جامعه باشد و از سوی دیگر به تقویت و تعمیم آن کمک کند. البته این فاکتور و عامل می‌تواند تحت تأثیر اعتماد اجتماعی تشدید شود.

همچنین نتایج حاصله بیانگر تأیید فرضیه «به‌نظر می‌رسد بین میزان مشارکت سیاسی دانشجویان با میزان گرایش آنها به اتحاد ملی و انسجام اسلامی رابطه وجود دارد» می‌باشد. این امر مؤید آیات، احادیث و فرمایشات بزرگان دینی می‌باشد که همواره اتحاد جامعه را به همکاری، تعاون، مودت و مشارکت در امور مسلمین فرا می‌خوانند در حقیقت بدون داشتن تعاون و همکاری هیچ وحدتی حاصل نمی‌شود.

در خصوص فرضیه پنجم «به‌نظر می‌رسد بین احساس تعلق اجتماعی عام از سوی دانشجویان با میزان گرایش آنها به اتحاد ملی و انسجام اسلامی رابطه وجود دارد». می‌توان گفت که هر کدام از دانشجویان به نسبت دارای تعلقات قومی، محلی، مذهبی، ملی، اسلامی و... می‌باشند اما نکته کلیدی اینست که با توجه به یافته‌ها، اکثریت آنها دارای تعلقات ملی - اسلامی می‌باشند که به‌گونه‌ای تعلقاتی عام می‌باشند. زمانی که تعلقی شکل می‌گیرد به‌دنبال خود تعهدی ایجاد می‌شود که فرد ملزم به رعایت آن می‌باشد. چلبی در این خصوص بیان می‌دارد که تعهد یکی از عناصر محوری هرگونه اجتماع است. از لحاظ مفهومی، در هر مورد از تعهد، نوعی ضرورت وجود دارد؛ ضرورت برای کسی در انجام چیزی. اما باید بلافاصله اضافه شود که ضرورت مورد نظر از نوع ضرورت فیزیکی و یا بایستگی احتیاطی نیست. تعهد آنگاه که با تعلق

اجتماعی ترکیب شود حائز نوعی ضرورت اجتماعی و اخلاقی می‌شود بدین معنا که فرد زمان که به اجتماع ملی- اسلامی احساس تعلق و تعهد نمود هویت خود را براساس آن تعریف می‌کند. این نوع ضرورت بیشتر صبغه قطعی دارد تا شرطی. به‌طورکلی ملت اسلامی را می‌توان یک واحد بزرگ انسانی تعریف کرد که عامل پیوند آن یک فرهنگ و آگاهی مشترک است. از این پیوند است که احساس تعلق به یکدیگر و احساس وحدت میان افراد متعلق به آن واحد پدید می‌آید (آشوری، ۱۳۷۸، ۳۰۵).

با توجه به یافته‌های استخراج‌شده فرضیه ششم « به‌نظر می‌رسد بین میزان گرایش‌های اعتقادی و عبادی دانشجویان به دین و گرایش آنها به اتحاد ملی و انسجام اسلامی رابطه وجود دارد» نیز تأیید شد و این مؤید دیدگاه مقام معظم رهبری است که بیان می‌دارد: شعار اسلام ناب و اسلامی که نظام اسلامی بر پایه آن به‌وجود آمد این است که مسلمانان با وجود اختلافاتشان در عقاید و در مبانی مذهبی خود باید اتحاد کلمه داشته باشند، روی موارد توافقی تکیه کنند و از جریحه‌دار کردن احساسات یکدیگر خودداری نمایند. وی همچنین معتقد است که وحدت به معنای دست‌برداشتن از عقاید مذهبی نبوده و بدین معنا نیست که شیعه راه خود را وانهاده و سنی شود و یا برعکس سنی به مذهب تشیع گرایش پیدا کند. منظور ایشان اینست که باید محور را کتاب خدا و سنت نبی و شریعت اسلام بدانیم.

جدول شماره ۳. خلاصه مدل متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

Model Summary^b

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
1	.530 ^a	.281	.226	14.01874

a. Predictors: (Constant); گرایش‌ها به اعتقاد: دینی، اعتماد به مسئولین، تعلق اجتماعی عام، میزان مشارکت سیاسی، عضویت در تشکلهای مدنی، گرایش‌ها به اعتقاد

b. Dependent Variable: اتحاد ملی و انسجام اسلامی

همان‌طوری که می‌دانیم همبستگی با رگرسیون رابطه نزدیکی دارد و داشتن همبستگی بین متغیرها پیش‌فرض کاربرد رگرسیون می‌باشد. براین اساس به تحلیل رگرسیون یا همان پیش‌بینی متغیر وابسته از طریق ۵ متغیر مستقلی پرداخته می‌شود که با متغیر وابسته دارای همبستگی هستند. مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها ۰/۵۳۰ می‌باشد که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (اتحاد ملی و انسجام اسلامی) همبستگی متوسط وجود دارد. اما مقدار ضریب تعیین تعدیل‌شده (R^2) که برابر با ۰/۲۲۶ می‌باشد، نشان می‌دهد که ۲۲/۶ درصد از کل تغییرات میزان اتحاد ملی و انسجام اسلامی

وابسته به ۵ متغیر مستقل فوق ذکر شده در این معادله می‌باشد. به عبارت دیگر، مجموعه متغیرهای مستقل، کمتر از نیمی از واریانس متغیر اتحاد ملی و انسجام اسلامی را پیش‌بینی (برآورد) می‌کنند.

جدول شماره ۴. ضریب همبستگی متغیرهای مستقل با وابسته

Coefficients^a

Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.	Correlations		
	B	Std. Error	Beta			Zero-order	Partial	Part
(Constant)	24.166	13.487		1.792	.077			
گرایش به عقاید دینی	.313	.237	.136	1.322	.190	.153	.147	.126
اعتماد به مسئولین	.654	.348	.208	1.880	.033	.401	.207	.179
تعلق اجتماعی عام	1.503	.505	.316	2.977	.004	.391	.318	.284
عضویت در تشکلهای مدنی	1.540	1.752	.085	.879	.382	.160	.098	.084
میزان مشارکت سیاسی	.406	.332	.126	1.224	.225	.290	.136	.117

a. Dependent Variable اتحاد ملی و انسجام اسلامی

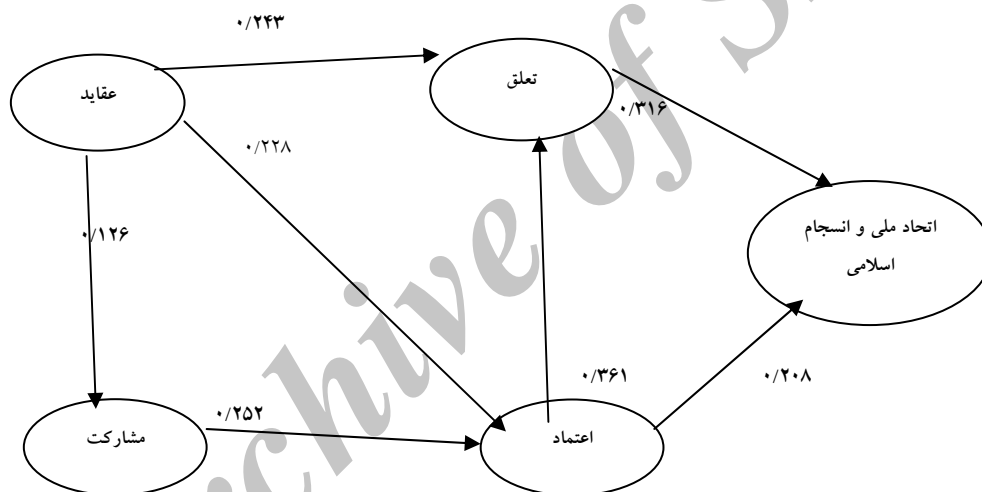
در جدول شماره ۵، به بررسی ضرایب تأثیر رگرسیونی هر متغیر مستقل بر متغیر وابسته پرداخته شده‌است. در اینجا، تفسیر ضرایب رگرسیونی بر اساس ضریب بتا انجام گرفته که سهم نسبی هر متغیر مستقل در مدل مشخص شده‌است. بر این اساس سه متغیر میزان مشارکت، عضویت در تشکلهای مدنی و گرایش به عقاید دینی بر متغیر اتحاد ملی و انسجام اسلامی تأثیری ندارند چرا که سطح خطای تی آنها بالاتر از ۰/۰۵ می‌باشد. اما تأثیر دو متغیر اعتماد به مسئولین و تعلق اجتماعی عام بر اتحاد ملی و انسجام اسلامی معنی‌دار است. بنابراین می‌توان معادله رگرسیون را در هر دو حالت به شرح ذیل بیان کرد:

۹-۱- معادله رگرسیون استاندارد نشده

(مشارکت سیاسی) ۰/۴۰۶ + (عضویت در انجمن‌ها) ۱/۵۴۰ + (تعلق اجتماعی عام) ۱/۵۰۳ (اعتماد به مسئولان) ۰/۶۵۴ + (گرایش به عقاید دینی) ۰/۳۱۳ + ۲۴/۱۶۶ = اتحاد ملی و انسجام اسلامی.

۹-۲- معادله رگرسیون استاندارد شده

(تعلق به اجتماع عام) $+0/316$ (اعتماد به مسئولان) $+0/208$ = اتحاد ملی و انسجام اسلامی
 در پایان با استفاده از رگرسیون خطی به روش همزمان به بررسی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته پرداخته و روابط بین متغیرها را مطابق با واقعیت‌های موجود تحلیل کرد. برای این منظور به ترتیب هر کدام از متغیرهایی که بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته‌اند به‌عنوان متغیر وابسته تعیین و سایر متغیرها به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده‌اند تا اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل برهم و همچنین متغیر وابسته مشخص شود. بعد از سه مرحله و پس از آنکه ضرایب مسیر برای کلیه مسیرهای تفکیکی به‌دست آمد از طریق ترکیب نمودارها اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته اصلی به‌دست آورده و به‌صورت نمودار نهایی به همراه ضرایب بتا ترسیم گردید.



۱۰- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

می‌توان گفت بنیادی‌ترین واقعیت جامعه ایران وجود ساختار متنوعی از اقوام، مذاهب، نژادها، زبان-ها و ... می‌باشد که هر یک به‌گونه‌ای سازنده بخشی از آن می‌باشد. از سوی دیگر این ساختار و سیستم،

خود در درون یک اجتماع بزرگ‌تری از تنوعات قومی، ملی، نژادی، مذهبی، زبانی و... به نام امت اسلامی قرار دارد.

نتایج حاصله بیانگر اینست که دانشجویان به‌عنوان بخشی از کنشگران درون این اجتماعات؛ به نحو مطلوبی خواهان اتحاد درونی ایرانیان با هر زبان و مذهب و قومیتی بوده و در سطح کلان‌تر خواهان انسجام مسلمانان فارغ از هرگونه مرز ملی، مذهبی، جغرافیایی، زبانی، نژادی و ... در سراسر جهان می‌باشند. این گرایش بیانگر فهم و بصیرت دانشجویان به اصل وحدت کلمه است. بر این اساس این فرهنگ دینی- ملی به‌گونه‌ای درهم تنیده شده‌اند که می‌توان یک کل منسجم و یکپارچه‌ای را متصور کرد.

همانطوری که گفته شد اساس و بنیان هر جامعه‌ای بر نظم و انسجام خرده‌فرهنگ‌ها و خرده‌نظام‌های درون آن استوار است. همان‌گونه که کارکردگرایان و به‌ویژه پارسونز هسته اصلی مسأله نظم را در کم و کیف انسجام هنجاری می‌بیند که مبتنی بر اصول مشترک ارزشی در جامعه است (چلبی، ۱۳۸۴، ۱۴).

این موضوع می‌تواند بیانگر این نتایج باشد که گروه‌های مختلف از جمله دانشجویان در عین حالی که دارای ارزش‌های خاص خود می‌باشند به گونه‌ای پایبند به ارزش‌های عام اجتماعی نیز می‌باشند، همچنین کنشگران اجتماعی که به منزله عناصر اصلی این گروه‌ها تلقی می‌شوند در عین حالی که، به سیستم ارزشی ملی وفادار می‌باشند؛ خود را به فرهنگ اسلامی که به مثابه ساختاری عمل می‌کند و به طور هنجاری انسجام‌بخش است، متعهد و پایبند بدانند، اتحاد ملی می‌تواند در راستای انسجام اسلامی حرکت کند.

نتایج بیانگر اینست که میزان اعتماد دانشجویان به مدیران در حد متوسطی قرار داشته و بایستی تقویت گردد چراکه از یکسو اعتماد به‌عنوان عاملی در انسجام اجتماعی نقشی کلیدی دارد و به تعبیر دورکیم و تونیس بدون نوعی اعتماد، پایداری نظم اجتماعی ممکن نیست و از سوی دیگر در فرآیند توسعه اجتماعی با شکل‌گیری اعتماد قطعاً میزان عضویت اعضای جامعه در گروه‌ها، سازمان‌ها و انجمن‌های مختلف افزایش می‌یابد و آمادگی فرد برای برقراری ارتباط بیشتر می‌شود و بدین ترتیب اعتماد اجتماعی متقابل قابلیت تعمیم می‌یابد.

نتایج همچنین مؤید این دیدگاه پارسونز می‌باشد که بیان می‌دارد انسجام سیاست، ناظر به چگونگی مناسبات بین شهروندان با نظام سیاسی و بالعکس است و انسجام اجتماعی، روابط و مناسبات بین فردی و بین گروهی را در یک جامعه مورد توجه قرار می‌دهد.

در مرکزیت انسجام سیاست، مقوله مشروعیت و مشارکت نهفته است. بنابراین هرگاه احساس فاصله ذهنی بین شهروندان با یکدیگر و همچنین بین شهروندان و مدیران کاهش یابد، انسجام اجتماعی افزایش می‌یابد فلذا هرگاه احساس تعهد و تعلق بین شهروندان فزونی گیرد، انسجام و یکپارچگی ملی و اسلامی افزایش می‌یابد. براساس نتایج به‌دست‌آمده می‌توان پیشنهاد نمود: تأکید بر بازگشت به ریشه‌های انقلاب

اسلامی به عنوان تحولی وحدت‌بخش در میان اقوام ایرانی و تأکید بر بنیان‌های وحدت‌بخش داخلی که مبتنی بر باورهای ملی و روی‌گردانی از تعصبات قومی می‌باشد، از یکسو دعوت تمامی مسلمانان جهان در زیر لوای پرچم «لا اله الا الله / محمد رسول الله» بوده و از دیگر سوی منادی وحدت کلمه در داخل و خارج ایران می‌باشد. در حقیقت آنچه موجبات وحدت ایران و جهان اسلام را فراهم می‌کند، نفی و طرد هرگونه هویت‌جویی‌های فرقه‌ای و قومی افراطی در درون امت اسلامی و سرزمین ایران می‌باشد. بنابراین توجه ویژه به این ریشه‌ها، وحدت ملی و انسجام اسلامی را با تکیه بر همگرایی دینی-ملی به ارمغان می‌آورد.

توجه ویژه مسئولان و دولتمردان به فرمایشات مقام معظم رهبری در خصوص انجام وظایف و رسالت خود و پرهیز از هرگونه ارجحیت منافع فردی بر منافع جمعی به‌منظور فراهم‌آوردن اعتماد بنیادین و اطمینان خاطر مردم نسبت به ارزش‌های نظام اسلامی، از سوی دیگر لازم است که خود مردم در انتخابات با بصیرت و شناخت بیشتری نمایندگان را در سطوح مختلف (مجلس خبرگان، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شوراهای شهر و روستا و...) انتخاب نمایند، چرا که انتخاب شایسته و آگاهانه آنها در انتخاب و انتصاب مسئولان لایق و مؤمن و معتقد به موازین دینی و قانونی مؤثر واقع می‌شود. برگزاری کنگره‌ها، همایش‌ها و گفتگوی میان اقوام و مذاهب در محیط‌های دانشگاهی به‌منظور آشنایی بیشتر دانشجویان با اندیشه‌ها، افکار و عقاید سایر اقوام و مذاهب دیگر تا ضمن تبادل‌اندیشه و تفکر، به تقویت راه‌کارهای انسجام‌بخش و وحدت‌بخش با تأکید بر اصول مشترک همت گمارند و زمینه‌ای برای پیاده‌نمودن اندیشه‌های وحدت‌بخش بزرگان دینی و ملی فراهم گردد.

فهرست منابع

۱. آشوری، داریوش، ۱۳۷۸، دانشنامه سیاسی، چاپ گلشن، تهران.
۲. چلبی، مسعود، ۱۳۸۴، جامعه‌شناسی نظم، نشر نی، تهران.
۳. چلبی، مسعود، ۱۳۷۸، میزگرد وفاق اجتماعی ۲، سال نخست فصلنامه مطالعات ملی.
۴. حاجیانی، ابراهیم، ۱۳۸۳، مسأله وحدت ملی و الگوی سیاست قومی در ایران، مسائل اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران (مجموعه مقالات) نشر آگه، تهران.
۵. حسین بر، عثمان، ۱۳۸۰، بررسی عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان بلوچ نسبت به هویت ملی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

۶. خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۷۷، حدیث ولایت، دفتر مقام معظم رهبری، سازمان تبلیغات اسلامی، ج ۸، تهران.
۷. خدوری، مجید، ۱۳۷۴، گرایش‌های سیاسی در جهان عرب، ترجمه عبدالرحمن عالم، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران.
۸. روشنی، عبدالباقی، ۱۳۸۳، تئوری‌های اخیر در مورد ناسیونالیسم، هفته‌نامه روزنه لات، شماره هشتم، صص ۱-۳.
۹. زمانیان، علی، ۱۳۸۶، انسجام ضرورتی اجتناب‌ناپذیر، مجموعه مقالات همایش ملی، مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران.
۱۰. موسوی خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۸، صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تبیان، دفتر پانزدهم، چاپ دوم.
۱۱. صالحی امیری، سیدرضا، ۱۳۸۸، انسجام ملی و تنوع فرهنگی، مؤسسه انتشاراتی کمیل، تهران.
۱۲. طباطبایی، سیدمحمد حسین، ۱۴۱۶، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی.
۱۳. عبداللهی، محمد، ۱۳۷۶، جامعه‌شناسی بحران هویت، نامه پژوهش شماره ۲ و ۳.
۱۴. عطایی، نجاح‌عطاء، ۱۳۶۹، سیر اندیشه ملی‌گرایی از دیدگاه اسلام، ترجمه علیقلی بخشایی، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران.
۱۵. غفاری، غلامرضا و ابراهیمی لویه، عادل، ۱۳۸۵، جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی، نشر آگه، چاپ سوم، تهران.
۱۶. غلامی، خلیل، ۱۳۷۸، تحقیق پیمایشی راه‌های تقویت وفاق ملی در استان کردستان.
۱۷. کاستلز، مانوئل، ۱۳۸۲، عصر اطلاعات، جلد دوم ترجمه حسن چاووشیان، نشر طرح نو، تهران.
۱۸. گی‌روشه، ۱۳۸۲، تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، نشر طالع، تهران.
۱۹. گرب، ادوارد، ۱۳۷۳، نابرابری اجتماعی، دیدگاه‌های نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر، ترجمه محمد سیاه‌پوش و احمد رضا غروبی‌زاده، نشر معاصر چاپ دوم، تهران.
۲۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۴) بحار الانوار، تهران.
۲۱. محرابی، علیرضا، ۱۳۸۷، بررسی و تبیین مبانی و مؤلفه‌های انسجام ملی، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۲۲. موسوی، امام سیدشرف، ۱۳۶۲، مباحثی عمیق در وحدت اسلامی، ترجمه: احمد صادق اردستانی، انتشارات صادق، تهران.
۲۳. ونیست، اندرو، ۱۳۷۸، ایدئولوژی‌های مدرن سیاسی ترجمه مرتضی ثاقبی فرد، نشر ققنوس، تهران.

24. Anderson .Bendict.(1991) imagined community . london verso revised.second edition.
- 25.Clifford geertz 'primordial sentiments and civil politics in the new state' in geertz,ed.old socities and new states,(new York: free press)(1963).
26. Swingewood alan. cultural theory and problem of modernity, macmilan: 1998.

Archive of SID